تذکرة الحکما

آقای آقا مرتضی مدرس گیلانی یکی از دانایان بزرک این روزگار است‏ که در دانش و بینش و گشادگی سینه به قطب شیرازی می‏ماند.این مردکم‏ مانند از یک خاندان ریشه‏دار برخاسته،در دانش‏های گوناگون پژوهش‏کرده‏ نامه‏های فراوان ارج داری از این مانند به دست داده است:

ادبیات:مقیاس القریض،بهارنامه،دولت‏نامه،السیل الخضم،رقعات و مقالات،منهج البلاغه،ابناء البلاد،فرهنک گیلانی.

منطق:مقاله در منطق.

اصول:مقاله در تاریخ اصول،مقاله در اجتهاد و تقلید،تحریر الرسائل

فقه:تحریر المکاسب،تحقیق المنشور،شرح تبصره،ترجمه‏ لمعة الدمشقیه،دستور.

کلام:وجوب تعلم کلام.

فلسفه:آراء صدر الدین شیرازی،حواشی اسفار،نفس در نظر فیلسوف‏ شرق.تصوف:منظومهء حکمة الاسرار

نجوم:مدخل الزیج،الاسطرلاب عند الشرقیین،مقاله در هیأت

هندسه:نظریة اقلیدوس.

جبر و مقاله:مبادی الجبر و المقابله.

تاریخ:نجف یا جامعة الشیعه،تذکرة الحکما،ترجمهء فهرست ابن‏ الندیم،تذییل تاریخ نگارستان.

یکی از بهترین این نامه‏ها«تذکرة الحکما»است در سرگذشت گروهی‏ فراوان از:اندیشمندان،پزشکان،متکلمه،منطقیین،ریاضی‏دانان،مخترعین، موسیقی‏دانان و پیکرنگاران که از دویست سال پیش تا روزگار ما در خاور و باختر گیتی بویژه ایران،پدید آمده‏اند و بی‏گفتگو پیداست‏ که یک همچو نامه‏ای تا چه اندازه‏ای می‏تواند ارج‏دار باشد به ویژه برای‏ ما ایرانیها.

روزگار قاجاری‏ها در پیشینهء فرهنگی ایران زمین هنوز از دیدگاه‏های‏ گوناگونی ناشناخته‏مانده نیازمند پژوهش‏گری است و هر کاری درباره آن‏ سزاوار سپاس‏آوری.برای نمونه در این روزگار دراز،بزرک‏مردان اندیشمندی‏ در این آب و خاک هستی یافته به نیستی گرائیده‏اند،که به راستی بر بسیاری از پیشینیان که نام آنها اکنون بسیار شناخته است برتری داشته‏اند ولی بدبختانه‏ هیچ‏گونه نام و نشانی از آنها به دست آیندگان نرسیده است.

نمایندگان این گروه که بر گزیدگان روزگار بوده‏اند،پیوسته و دست‏کم‏ بیشتر از توده کناره می‏گزیده‏اند به زورمندان هم کاری نداشته‏اند و گذشته از این دو«زنده بوده‏اند»و از این‏جاست که نامی از آنها در یادنامه‏های انگشت‏ شماری که از آن روزگاران مانده‏اند به چشم نمی‏آید و نگفته پیداست که اگر استاد مدرس هم مانند یکی دو تن دیگر دست بدین کار نمی‏یازید و با تلاش پی‏گیر شش ساله سرگذشت آن‏ها را به دست نمی‏آورد دور نبود که نام آن بزرک‏مردان‏ تیزبین نیز مانند بسیاری دیگر از بزرگان این کشور به خاک فراموش سپرده‏ شود.

یادآوری کوتاه بالا ارزش کار استاد را می‏نمایاند و جائی برای ستودن‏ آن نمی‏گذارد.این است که نگارنده به جای ستایش به شناساندن کوتاه روش‏ نگارش می‏پردازد.

روش استاد بر این است که در آغاز نامه برهنه از«لقب»خود و پدر کسی را که می‏خواهد بشناساندش و سال زاد و مرگش را پشت سر آن بیاورد.آن‏گاه‏ سرگذشت او را آشکار گرداند و آموزندگان را بشمارد و اگر سروده‏ای دارد از آن هم بیاورد.

این پدیده شگرف از همان هنگام پیدایش جای خود را پیش دانایان باز کرد1دارنده الذریعه هم آن را شناساند:

«تذکرة الحکما در سرگذشت گروهی از«اساتید معقول» «به روزگار قاجاری‏ها.که شماره آن‏ها نزدیک سیصد است‏2، «به پارسی‏3از شیخ مرتضی بن شیخ شعبان بن مهدی بن عبد الوهاب‏ «گیلانی نجفی که در بیست و پنج سالگی به سال 1358 نگارش آن را «به پایان برد و اوراست رساله در عروض و میزان سخن در بدیع، «و نوشته‏های دیگر4»

ولی هنوز پس از گذشت سی سال به چاپ نرسیده است و در دسترس‏ پژوهندگان نیامده است.این نامهء پربهانه تنها سخت به کار ایرانیان میآید بلکه چون به تازی است در سراسر جهان اسلام پخش می‏گردد و بی‏گمان‏ پذیرفته می‏افتد و شاید به زبانهائی هم گزارده شود.این است که نگارنده چاپ‏ آن را به«بنگاه ترجمه و نشر کتاب»و«فرهنک ایران زمین»و به ویژه«دانشگاه‏ که تاکنون نوشته‏های ارج‏داری را چاپ کرده‏اند پیشنهاد می‏کند باشد که از این رهگذر گنجی گرانبها بر گنجینهء فرهنگی این آب و خاک افزوده و چراغی‏ پرفروغ فراراه پژوهندکان افروخته گردد بمنه و کرمه.

(1)-استاد فقید شیخ محمد حسین آل کاشف العظا این نامه را ستوده است‏ و نوشتهء او نزد آقای مدرس هست.

(2)-استاد مدرس در این سی سال بی‏کار ننشسته است و زندگی‏نامهء نزدیک‏ سی‏صد نفر دیگران را بدان افزوده است.

(3)-یا این نامه اول پارسی بوده سپس تازی گشته است و یا دارندهء الذریعه‏ دستخوش لغزش گشته است زیرا خود نگارنده دیده است که به تازی است

(4)-طهران،الذریعه:ج طهران 1360 ج 4 ص 31